

معاضدت قضایی و عدالت کیفری بین المللی

مظاهر خواجهوند^۱، مجتبی لطفی خاچک^{۲*}، مینا جعفری^۳

چکیده:

زمینه و هدف: مقاله حاضر به بررسی معاضدت قضایی و تأثیر آن بر عدالت کیفری بین المللی پرداخته است. سؤال اساسی که در این خصوص مطرح و مورد بررسی قرار گرفته، این است که معاضدت و معاضدت قضایی چگونه بر عدالت کیفری بین المللی تأثیر گذار است؟ معاضدت قضایی می تواند با مقابله با بی کیفری و برجسته تر شدن محاکم کیفری داخلی و کوتاه شدن فرایند رسیدگی تأثیر مهمی بر اجرای عدالت کیفری بین المللی داشته باشد. معاضدت قضایی همکاری در همه زمینه های قضایی را شامل می شود.

روش: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه ای به بررسی موضوع پژوهش پرداخته است.

یافته ها و نتایج: در اسناد بین المللی نظیر کنوانسیون پالمو و کنوانسیون وین «گسترده ترین اقدامات مربوط به معاضدت قضایی» بکار برده شده است که این امر بر گستردگی دامنه معاضدت قضایی دلالت دارد. اشکال معاضدت قضایی محدود نبوده و دولت های مختلف می توانند هر گونه معاضدت قضایی را که در حقوق داخلی آنها معجز شناخته شده است، مورد توافق قرار دهند. اخذ شهادت و یا توضیحات از اشخاص، ابلاغ اوراق قضایی، انجام عملیات تجسسی و توقیف اموال، بازرسی اقلام و اماکن مورد استفاده، تأمین اطلاعات و اسناد، تأمین اصول اسناد و یا نسخ مصدق اوراق، سوابق مربوطه از جمله سوابق بانکی، مالی، شرکتی و یا تجاری، تشخیص منشأ و یا ردیابی عواید، اموال و یا اقلام دیگر برای استفاده در مقام اثبات جرائم ارتكابی از جمله اشکال معاضدت قضایی می باشد که به صراحت در کنوانسیون وین نام برده شده است.

کلیدواژه ها: معاضدت قضایی، عدالت کیفری، اخذ شهادت، اوراق قضایی.

^۱ عضو هیات علمی گروه حقوق، واحد نوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، نوشهر، ایران. mazaherkhajvand@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول).
ffghhj@yahoo.com

^۳ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی واحد علوم و تحقیقات ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

مقدمه

آمار جنایات و فقدان محاکمات نشانگر این است که اجرای عدالت کیفری بین‌المللی بر جنایات شدیداً با مشکل مواجه و به پدیده بی‌کیفری منجر شده است. بی‌کیفری نتیجه تقابل حقوق و سیاست است؛ تقابلی که به پیروزی سیاست می‌انجامد و حقوق را به باد فراموشی می‌سپارد (بهاروند، ۱۳۸۴: ۸۹-۹۰). واقعیت امر این است که علی‌رغم فرصت‌های پیش‌آمده از جهانی شدن، این پدیده زمینه فرار مجرمین در آن‌سوی مرزها را نیز تسهیل کرده است. جهانی شدن اقتصاد اگرچه پیامدهای بسیار مطلوبی دارد، اما بدون شک این امر هزینه قابل توجهی را نیز در بر دارد. این بازار آزاد می‌تواند به همان اندازه و شکل مورد سوءاستفاده مجرمین و تبهکاران قرار بگیرد. جهانی شدن و از بین رفتن مرزها به طور حتم جهانی شدن جرم را نیز در پی خواهد داشت. همان‌گونه که امروزه شاهد افزایش روزافزون جرائم سازمان‌یافته فراملی هستیم، اقتصاد تبهکاری در راستای اقتصاد قانونی با گذر از مرز دولتها توسعه یافته است. جهانی شدن و تسهیلاتی که آزادی بازار سرمایه برای تجارت به ارمغان می‌آورد، قانونی جلوه دادن اموال ناشی از فعالیت‌های غیرقانونی را نیز تسهیل می‌کند. مجرمین به راحتی در کشورهای مختلف مرتکب جرم می‌شوند، سرمایه‌های خود را در سطح بین‌المللی جابجا می‌کنند و به بهشت‌های مالیاتی انتقال می‌دهند و اگر هم مورد سوءظن قرار گرفتند، به کشورهای دیگر فرار می‌کنند. و درست در همین جاست که مرزها- که به طور واقعی از بین رفته بود- بار دیگر مفهوم خود را باز می‌یابند؛ یعنی وقتی که مسئله آن قدر بزرگ و خطرناک می‌شود که به دستگاههای قضایی کشیده می‌شود، مرزها مانعی برای اعمال و اجرای وظایف قضایی می‌شود. و به قول یکی از نویسندگان، «جهان دیگر جز برای قضات مرزی ندارد.» (برتوساد، ۱۳۸۲: ۱۷۱). وقتی یک مقام قضایی به کشور دیگر مقرر تبهکاری سازمان‌یافته رجوع می‌کند، اگرچه این کشور مایل نیست نمایندگی قضایی مزبور را به رسمیت بشناسد، باید ماهها و حتی سالها انتظار کشید تا اطلاعات درخواست شده از سوی قاضی به وی ارائه شود. و حتی ممکن است پاسخی نیز در این خصوص داده نشود. بدیهی است در چنین وضعیتی عدالت کیفری بین‌المللی به شدت آسیب می‌بیند. این در حالی است که عدالت کیفری از مهمترین موضوعات حقوق کیفری بین‌المللی است.

البته، در کنار این تقابل ناخوشایند، جریان امیدبخشی نیز در حال وقوع است و آن خیز برداشتن حقوق بین‌الملل برای مبارزه با بی‌کیفری است. در جهان کنونی که شاهد توسعه روابط و گسترش مناسبات میان کشورها می‌باشیم و مرزها معنایی دیگر یافته است، جهان با تسهیلات فراوانی در زمینه توریسیم، تجارت، مطالعات تحقیقات علمی و سایر مسائل و مناسبات بین‌المللی روبرو گشته است. ایجاد ارتباط بین کشورها در ابعاد مختلف اجتناب‌ناپذیر است و اوضاع و احوال حاکم بر

کشورها و دنیای متمدن کنونی ایجاب می‌کند که کشورها جهت حل مسائل و رفع مشکلات خود بیش‌ازپیش به تعاون و معاضدت با یکدیگر پردازند. بر اساس آنچه گفته شد، سؤال اساسی که در این مقاله مطرح و بررسی می‌شود، این است که معاضدت قضایی چگونه بر تحقق عدالت کیفری بین‌المللی تأثیرگذار است؟ در راستای بررسی و پاسخ به سؤالات مورد اشاره، ابتدا به بحث نظری مقاله پرداخته می‌شود. سپس، سازوکارهای تأثیر معاضدت قضایی بر تحقق عدالت کیفری تبیین و تحلیل می‌شود.

۱- مبانی نظری

عدالت کیفری اجرای عدالت در مورد کسانی است که مرتکب امری جنایی شده‌اند. نظام تحقق عدالت کیفری سازمان یا آژانسی حکومتی است که در پی شناسایی و دستگیری افراد متخلف از قانون با هدف تنبیه آنان است. اهداف شامل توان‌بخشی به مجرمان، جلوگیری از جنایات دیگر و حمایت اخلاقی از قربانیان است. سازمان‌های نخستین برای نیل به عدالت کیفری شامل پلیس، دادستان و وکیل مدافع، دادگاه و در نهایت زندان است.

در فرهنگ‌های حقوقی، عدالت کیفری را به مجموع روش‌های برخورد با متهمان به ارتکاب جرم تعریف کرده‌اند. این روش‌ها و مجریان آنها وقتی در چارچوب یک نظام قرار می‌گیرند، تبدیل به فرایندی می‌شوند که از کشف جرم و تعقیب متهم آغاز و به برائت یا محکومیت وی می‌انجامد. امروزه در این فرایند، علاوه بر متهم، نهادهایی چون پلیس، دادسرا، دادگاه، اجرای احکام و مقامات تعلیق و آزادی مشروط دخالت دارند (امیدی، ۱۳۸۸: ۵۱). در تعریف فوق، عدالت کیفری به بُعد شکلی حقوق کیفری یا آیین دادرسی کیفری محدود شده است. برخی از حقوقدانان عدالت کیفری را عبارت از مقایسه خسارت وارده به جامعه با خطای اخلاقی مرتکب و تعیین میزان مناسب کیفر و اجرای آن دانسته‌اند (ظفری، ۱۳۷۷: ۲۳). این تعریف از عدالت حقوقی دارای معنای عامی است که می‌توان امروزه، نظام حقوق کیفری را معادل آن دانست. در تعریف کوتاه‌تری از عدالت کیفری آورده‌اند: «عدالت کیفری مدیریت اعمال و وقایع جزایی از سوی هیئت حاکمه است.» (صانعی، ۱۳۸۲: ۱۲).

در همین حال، معاضدت قضایی مفهوم عامی است که همکاری در همه مواردی که لازمه امر قضاوت است را شامل می‌شود. و به همین جهت نیز بعضی معاهدات بین‌المللی نظیر کنوانسیون پالرمو و کنوانسیون وین از عبارت «گسترده‌ترین اقدامات مربوط به معاضدت قضایی» سخن گفته‌اند (بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون وین و بند ۱ ماده ۱۸ کنوانسیون پالرمو). معاضدت قضایی اگرچه ناظر به جرم است، ولی لازم نیست قبل از تقاضای معاضدت جرمی ارتکاب یافته باشد؛ ممکن است سوابق و روابط مالی افراد یا اطلاعات راجع به جرائم در شرف وقوع مورد تقاضا واقع شود.

با وجودی که دولتها در تعیین اشکال نیابت قضایی محدودیتی ندارند و می‌توانند هرگونه معاضدت قضایی را که در حقوق داخلی آنها مجاز شناخته شده است، مورد توافق قرار دهند، اما برخی از موارد شایع این نوع معاضدت در اسناد بین‌المللی صراحتاً نام برده شده است. در کنوانسیون وین این موارد عبارتند از: ۱- اخذ شهادت و یا توضیحات از اشخاص ۲- ابلاغ اوراق قضایی ۳- انجام عملیات تجسسی و توقیف اموال ۴- بازرسی اقلام و اماکن مورد استفاده ۵- تأمین اطلاعات و اسناد ۶- تأمین اصول اسناد و یا نسخ مصدق اوراق، سوابق مربوطه از جمله سوابق بانکی، مالی، شرکتی و یا تجاری ۷- تشخیص منشأ و یا ردیابی عواید، اموال، و یا اقلام دیگر برای استفاده در مقام اثبات جرائم ارتكابی (بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون وین).

تقاضا برای نیابت قضایی باید شامل موارد ذیل باشد: ۱- هویت مرجع تقاضاکننده ۲- موضوع و ماهیت تحقیق، تعقیب یا پرونده‌ای که تقاضا به آن مربوط بوده و نام و عنوان مرجع متصدی تحقیق و تعقیب یا پرونده ۳- خلاصه‌ای از واقعیات امر به استثنای تقاضاهایی که موضوع آنها ابلاغ اوراق قضایی است. ۴- شرحی از معاضدت مورد تقاضا و جزئیات روش کار خاصی که عضو متقاضی مایل است، ملاک عمل قرار بگیرد ۵- هویت، محل و تابعیت هر شخص ذی‌ربط در صورت امکان ۶- هدف از تقاضای مدارک، اطلاعات و یا اقدام ذی‌ربط (بند ۱۰ ماده ۷ کنوانسیون وین). نحوه اجرای تقاضا نیز بر طبق قوانین داخلی کشور مورد تقاضا و به میزانی که با قوانین مزبور مغایر نباشد و در صورت امکان طبق روشهای مشروح در تقاضا خواهد بود (بند ۱۲ ماده ۷ کنوانسیون وین).

البته، این مقررات در صورتی اعمال خواهد شد که اعضای ذی‌ربط متعهد به معاهده‌ای درباره معاضدت قضایی مشترک نباشند و در غیر این صورت، مفاد معاهده مذکور اعم از دوجانبه یا چندجانبه خواهد شد (بند ۶ و ۷ ماده ۷ کنوانسیون وین). ماده ۱۸ کنوانسیون پالرمو نیز در خصوص موارد نیابت با الهام از کنوانسیون دین همان مقررات را پیش‌بینی کرده است. معاضدت در صورتی قابل طرح است که دولت متعاهد متقاضی دلایل منطقی داشته باشد که مظنون شود جرائم موضوع این کنوانسیون ماهیتاً فراملی بوده و از جمله بزه‌دیدگان، شهود، منافع، آلات یا مدارک جرم در دولت مورد درخواست استقرار یافته یا در ارتكاب جرم یک گروه جنایتکار سازمان‌یافته دخیل هستند (بند ۱ ماده ۱۸ کنوانسیون پالرمو).

علاوه بر آن، پیشنهاد شده است که دولتهای عضو بدون آنکه خدشه‌ای به حقوق داخلی آنها وارد آید، حتی بدون درخواست قبلی اطلاعات مربوط به موضوعات کیفری را در اختیار مراجع صلاحیت‌دار کشور دیگر که معتقدند این اطلاعات می‌تواند در انجام یا تکمیل موفقیت‌آمیز تحقیقات و رسیدگی کیفری به آنها کمک نماید، قرار دهند. و دولت دریافت‌کننده نیز باید در

صورت درخواست دولت فرستنده، این اطلاعات را محرمانه نگه دارد. مگر اینکه برای تیره شخص متهم افشا این اطلاعات لازم باشد.

توصیه ۳۷ «فاتف» در سال ۱۹۹۰ تحت عنوان «اشکال مختلف همکاری» از کشورها، خواسته است رویه‌های مناسبی را برای کمکهای دوسویه در مورد این فعالیت جنایی وضع کنند و مؤسسات مالی جهت ارسال گزارشهای لازم در خصوص نتایج تحقیق و تفحص از اشخاص حقیقی و حقوقی و توقیف دارایی‌ها و نحوه پیگرد پولشویان به مراجع قضایی خارجی موظف شوند. البته، در بازنگری این توصیه‌ها در سال ۲۰۰۱ از کشورها خواسته شده است که به همکاری بین‌المللی مطابق مقررات مندرج در کنوانسیون وین، کنوانسیون پالرمو و کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۹ و کنوانسیون شورای اروپا پردازند (توصیه ۳۵ «فاتف»، در سال ۲۰۰۱).

در حقوق ایران علاوه بر تعدادی معاهدات منعقد شده با کشورهای دیگر مثل عهدنامه استرداد مقصرین و تعاون قضایی در امور جزایی با ترکیه در سال ۱۳۱۵، و عهدنامه معاضدت قضایی با کشور آذربایجان در سال ۱۳۷۸، ماده واحده قانونی در این باره در سال ۱۳۰۹ ه. ش وجود دارد که به موجب آن، «محاکم عدلیه و مستنطقین ایران می‌توانند تقاضاهایی را که از طرف محاکم و یا مستنطقین محاکم خارجه راجع به استماع شهادت شهود و یا تحقیقات دیگر از این قبیل از آنها می‌شود، انجام دهند. مشروط بر اینکه محاکم و مستنطقین مملکتی که این تحقیقات را تقاضا می‌نمایند نیز نظیر این تقاضا را از طرف محاکم و مستنطقین ایران بپذیرند.»

مسئله معاضدت قضایی بین‌المللی در مصوبه مجلس در خصوص پولشویی نیز در ماده ۸ مورد توجه قرار گرفته است، اما شورای نگهبان این ایراد را نسبت به این ماده وارد کرده است که اطلاق معاضدت قضایی و اطلاعاتی در ذیل ماده ۸ نسبت به مواردی که طرف مقابل، قاضی و شهود و امثال آن شرایط قاضی اسلامی را ندارند، خلاف موازین شرعی است. لذا از این جهت، معاضدت قضایی در کشور ما همواره با مانع روبه‌رو بوده است.

۲- نحوه تأثیر معاضدت قضایی و عدالت کیفری

بحث اساسی در مقاله حاضر این است که معاضدت قضایی چگونه بر عدالت کیفری تأثیرگذار است؟ در این مبحث تلاش شده نحوه تأثیرگذاری معاضدت قضایی بر عدالت کیفری بررسی شود.

۲-۱- مقابله با بی‌کیفری

مصون ماندن شخص ناقض قوانین کیفری از تحمل ضمانت اجرایی پیش‌بینی شده برای آن عمل را بی‌کیفری می‌گویند. مهمترین مصادیق بی‌کیفری در حقوق داخلی عبارتند از مصونیت‌های قانونی، امتیازاتی که در قبال قوانین و بر اساس قوانین برای افراد یا طبقات خاصی پیش‌بینی می‌شود، عفو

خصوصی، عفو عمومی، موارد معافیت از مجازات، موارد تخفیف‌های غیرموجه در مجازات، اعطای اختیارات بیش از حد به قاضی برای رعایت تخفیف، مواردی که یک دولت توانایی قضایی تعقیب، محاکمه و مجازات موارد خاصی را ندارد (آزمایش، ۱۳۸۷: ۱۹).

به گواه تاریخ، جرائم فرامرزی در همه کشورها به نوعی وجود داشته‌اند، اما با ورود به هزاره سوم بر تعداد آنها افزوده شده است و حقوق بشر بسیاری از انسان‌ها در بسیاری از نقاط جهان به آرامی نقض می‌شوند و مرتکبین که برخی از آنها صاحبان قدرت سیاسی در دولت‌ها هستند، به طرق مختلف از تحمل مجازات شانه خالی می‌کنند و به ریش عدالت کیفری می‌خندند. با اینکه در بسیاری از عرصه‌های حیات شاهد حاکمیت قانون هستیم، اما عده‌ای از مردم ارزشی برای حیات و حقوق بشر انسانها قائل نیستند و به همین جهت، جامعه بین‌المللی با اطمینان از نظر موافق ملتها و افکار عمومی بین‌المللی با تأسیس دادگاههای کیفری بین‌المللی موقت و دائمی عزم خود را برای کاهش و حذف جنایات بین‌المللی اعلام می‌کند و اگر درست قضاوت کنیم، دادگاه‌های داخلی آن اقتدار و استقلال تام و تمام را ندارند که قادر به محاکمه سران و دست‌اندرکاران برخی از کشورها به‌ویژه در قاره آفریقا که مرتکب نسل‌کشی یا خشونت علیه نظامیان اسیر و غیرنظامیان شده‌اند، مانند سومالی یا رواندا و سیرالئون، گردند. همین اندازه که فراریان به کشورهای دیگر مسترد نمی‌شوند، ثابت می‌کند که تبهکاران بین‌المللی از چه امتیازاتی برخوردارند و بدون همکاری دولت‌ها قطعاً دیوان کیفری بین‌المللی در مأموریت خود کامیاب نخواهد شد.

موانع امحای بی کیفری موانعی هستند که مانع و رادعی در راه به کیفر رساندن مجرمان بین‌المللی محسوب می‌شوند. در گذشته، دلایل عملی از قبیل سخت یا غیرممکن شده ارائه‌ی ادله پس از سپری شدن زمانی از ارتکاب جرائم و فراموشی آنها، اخلاقی (رسیدن به آشتی مجدد) و آسیبی (تهدید حاکمیت دولت با طرح مسئولیت کیفری نمایندگان آنها) در اغلب موارد موانع مهم بر سر راه محاکمه و مجازات مجرمان بین‌المللی در قالب مصونیت، مرور زمان و عفو مطرح شدند که مصونیت در رابطه با جنایات بین‌المللی عمدتاً ریشه در حقوق بین‌الملل دارد و مرور زمان و عفو در حقوق داخلی منشأ دارند. به هر حال، تحولات جامعه‌ی بین‌المللی و تنفر از جنایات بین‌المللی سبب شد تا این موانع نتوانند به طور مطلق سپری در برابر به کیفر رساندن مرتکبان جنایات بین‌المللی شوند، بدون آنکه کاملاً از میان برداشته شوند (بیگ زاده، ۱۳۸۷: ۲۶-۲۵).

مبارزه با بی کیفری بر مسئولیت فردی در قبال جنایات بین‌المللی متمرکز است که حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بین‌الملل بشر در توسعه و پشتیبانی این مبارزه مداوم نقش عمده‌ای ایفاء می‌نمایند. حقوق بین‌الملل علاوه بر این که در ایجاد اعتماد حقوقی در مبارزه با بی کیفری و تداوم این مبارزه نقش اساسی دارد، در پشتیبانی و حمایت دولت‌هایی که با خلأ

قانونی روبرو هستند و همچنین، در کمک به حکومت‌های انتقالی از خودکامگی به دموکراسی و رسیدگی به جرائم رژیم‌های گذشته نقش مهمی بازی می‌کند.

علیرغم حمایت‌هایی که از تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی می‌شود، معهدا کشورها و شورای امنیت و حتی مقامات ذیصلاح نیز در تقویت کارکرد دیوان گام مثبتی برنمی‌دارند. از جمله موانعی که بر سر راه دیوان قرار گرفته‌اند، عبارتند از: ۱- عدم تمایل برخی از کشورها برای پذیرش قانونی اعمال صلاحیت جهانی برای متهمان ۲- عافیت‌طلبی دادستان دیوان در ارجاع وضعیت‌های خشونت‌آمیز و جنایت‌ها به دیوان ۳- فقدان علاقه مقامات سیاسی حکومت‌ها به مقابله با تبهکاران ۴- فقدان اراده برخی از کشورها برای جلوگیری از فرار متهم ۵- بی‌توجهی به درخواست استرداد مجرمین ۶- اولویت نداشتن تعقیب یا استرداد متهمین ۷- چالش‌های تهیه اسناد و ادله اثبات جرائم در سطح بین‌المللی (زمانی، ۱۳۸۷: ۷۸) ۸- عدم همکاری دولت‌های عضو دیوان کیفری بین‌المللی با دیوان ۹- بی‌توجهی دول غیر عضو به درخواست‌های استرداد دیوان (رنجبریان، ۱۳۸۷: ۴۵) ۱۰- گذشت زمان طولانی از ارتکاب جنایت ۱۱- انعقاد توافقات جدید و فراموش کردن جنایات ارتكابی در قالب عفو متهمین ۱۲- مصونیت (بیگ زاده، ۱۳۸۷: ۱۲).

در عین حال، ماده ۲۷ اساسنامه دیوان به کاهش تأثیر ممانعت از اعمال صلاحیت دیوان پرداخته و مقرر داشته که: «ماده ۲۷- عدم تأثیر سمت رسمی افراد {در صلاحیت دیوان} ۱- این اساسنامه نسبت به همه افراد بدون در نظر گرفتن سمت رسمی آنان و بدون هیچ‌گونه تبعیضی اجرا خواهد شد. به طور مشخص، سمت رسمی رئیس دولت، یک عضو دولت، یا مجلس، نماینده انتخابی یا نماینده یک دولت به‌هیچ‌وجه یک شخص را از مسئولیت کیفری که به موجب این اساسنامه بر عهده دارد، معاف نخواهد کرد؛ همچنان که وجود سمت‌های مذکور به‌تنهایی علتی برای تخفیف مجازات نخواهد بود. ۲ مصونیت‌ها یا قواعد شکلی ویژه‌ای که به موجب حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل در مورد مقامات رسمی اجرا می‌شوند، موجب نمی‌گردند که دیوان نتواند صلاحیتش را نسبت به آن اشخاص اعمال نماید (آل حبیب، ۱۳۷۸). اصولاً دولت‌ها از اینکه با تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی حاکمیت ملی آنها نقض شوند، نگرانند و چندان رضایتی به جایگزینی صلاحیت دیوان با صلاحیت ذاتی محاکم داخلی خود ندارند (شریعت باقری، ۱۳۷۸). جالب آنکه دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی مورخه ۱۹۵۱ ممنوعیت حق شرط یا رزرو را نسبت به کنوانسیون ممنوعیت و مجازات جنایت ژنوساید را به لحاظ حاکمیت حقوق بین‌الملل عرفی بر آن تأیید کرد (صادقیان، ۱۳۷۸: ۴۵). اساساً، همانطور که در ماده ۱۳ و ۱۶ اساسنامه دیوان مشاهده می‌شود، به نوعی آغاز تدابیر ارجاع وضعیت به دیوان از سوی هر یک از کشورهای عضو یا دادستان می‌تواند با صدور قطعنامه از سوی شورای امنیت متوقف یا معلق گردد و فرقی نمی‌کند که در مرحله تحقیق باشد یا تعقیب. در عین حال، شورای امنیت امکان تجدید

دستور تعلیق تحقیق و تعقیب را برای هر مدتی که صلاح بداند، داراست و معلوم نیست که چرا باید شورای امنیت تلاش کند بر روی حقایق و جنایات ارتكابی وفق ماده ۵ اساسنامه سرپوش بگذارد. به نظر می‌رسد بزرگترین و مؤثرترین مانع تحقق صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی خود شورای امنیت است که می‌تواند در دو نقش فرشته یا شیطان ظاهر شده و حامی نظم عمومی بین‌المللی یا مخل آن عمل کند.

بدیهی است معاضدت قضایی با امکان پیگیری و جمع‌آوری ادله بر ضد بزه‌کاران فراری می‌تواند مانع از بی‌کیفری شود.

۲-۲- تسریع در رسیدگی

یکی دیگر از محاکم بین‌المللی کیفری از لحاظ کمیت و زمان رسیدگی‌ها دارای محدودیت‌هایی هستند؛ از لحاظ کمیت، رسیدگی‌های کیفری در این محاکم محدود به معدودی از متهمان است که بیشترین نقش را در ارتكاب جرائم بین‌المللی به عهده داشته‌اند و در مقام ریاست و یا فرماندهی، ارتكاب اعمال مجرمانه را هدایت و کنترل می‌نمودند؛ همچنین، از لحاظ زمانی محدودیت‌هایی برای رسیدگی در محاکم بین‌المللی کیفری به ویژه در رابطه با محاکم موقت وجود دارد. برای نمونه می‌توان به محدودیت‌های زمانی دادگاه بین‌المللی کیفری برای روآندا اشاره نمود که این امر مورد اعتراض دولت روآندا نیز واقع شد. دولت روآندا خواهان این بود که صلاحیت این دادگاه شامل تمامی جرائم ارتكابی توسط رژیم هوتو از جمله بسیاری از اعمال ارتكابی آن‌ها قبل از موج کشتار آوریل ۱۹۹۴ شود^۱ (هازل، ۲۰۰۸: ۸۹)؛ در حالی که اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای روآندا این صلاحیت را محدود به جرائم ارتكابی در سال ۱۹۹۴ نمود. البته، این امر قابل درک است که جامعه بین‌المللی هم نمی‌تواند تمام منابع خود را به محاکمه و تعقیب متهمان تمامی جرائم ارتكابی در روآندا اختصاص دهد. ایراد دیگر در رابطه با هزینه‌هایی که از طرف جامعه بین‌المللی صرف دادگاه بین‌المللی کیفری برای روآندا شده، این است که با توجه به این که روآندا خود حاضر به تعقیب و مجازات عاملان نسل‌کشی در کشور بود، آیا بهتر نبود که همین هزینه‌ها صرف کمک به دولت روآندا برای برگزاری محاکماتی با رعایت استانداردهای بین‌المللی و هنجارهای حقوق بشری می‌شد؟ اهمیت این پرسش زمانی آشکار می‌شود که موانع صلاحیتی موجود برای محاکم بین‌المللی کیفری می‌توانند با اهداف

^۱ - در حالی که هدف دولت جدید روآندا - که برخاسته از توتسی‌ها بود - از این خواسته، بیشتر سیاسی و در جهت محکومیت اقدامات رژیم هوتو در گذشته‌ی این کشور بود، با این حال این خواسته با اهداف حقوق بین‌المللی کیفری در به تصویر کشیدن حقیقت ماجرا و تحقق حقوق قربانیان در اطلاع از حقیقت انطباق بیشتری دارد.

حقوق بین‌الملل کیفری در کشف حقایق جرائم ارتكابی در تعارض قرار گیرند. همچنین، محاکم بین‌المللی کیفری با ایرادهای دیگری از جمله اعمال مجازات‌های نامتناسب و عدم توجه به جامعه محل ارتكاب جرم نیز روبه‌رو هستند (مینو^۱، ۱۹۹۸: ۵۱-۲۵). محاکم بین‌المللی کیفری و محاکم کیفری داخلی هر دو در برخورد با جرائم بین‌المللی ارتكابی با توجه به ابعاد و گستردگی آن‌ها و مشارکت و نقش گسترده رهبران و شهروندان جامعه، با محدودیت‌ها و موانعی روبه‌رو هستند (اوسیل^۲، ۱۹۹۵: ۶۴۸-۵۰۵). اما دلیلی برای ترجیح محاکم بین‌المللی بر محاکم داخلی در تحقق اهداف حقوق بین‌الملل کیفری وجود ندارد. با توجه به محدودیت‌های صلاحیتی محاکم بین‌المللی، حتی محاکم ملی بهتر از محاکم بین‌المللی می‌توانند در ژرفای جامعه درگیر در خشونت‌ها وارد شوند و به این ترتیب، نسخه جامعی از حقیقت جرائم ارتكابی ارائه دهند.

در عین حال، مزیت دیگری که متوجه محاکم کیفری داخلی می‌باشد، تنوع مجازات‌ها از لحاظ کمی و کیفی است. گرچه محاکم کیفری داخلی نیز در برخورد با جرائم بین‌المللی از همان الگوهای رایج مجازات در جرائم عادی استفاده می‌نمایند، اما طیف مجازات‌ها و میزان آن‌ها در این محاکم از گستردگی و تنوع بیشتری برخوردار هستند. محاکم کیفری داخلی همانند محاکم بین‌المللی کیفری از فقدان مقررات در مبانی و نوع و میزان مجازات‌ها رنج نمی‌برند. برای نمونه، می‌توان به محاکم تشکیل شده به موجب قانون ۱۹۹۶ در پی نسل‌کشی در روآندا اشاره نمود. گرچه در این قانون به صراحت در رابطه با اهداف مجازات سخن گفته نشده است، اما این قانون حاوی مقررات تفصیلی در رابطه با انواع جرائم و مجازات‌های هر دسته از جرائم می‌باشد که در مقایسه با دادگاه بین‌المللی کیفری برای روآندا از جزئیات بیشتری برخوردار است.^۳ (درامبل^۴، ۲۰۰۷: ۹۹-۷۱).

بنابراین، در پاسخ به سؤال ابتدای بحث، باید گفت که در انتخاب بین محاکم بین‌الملل کیفری و محاکم کیفری داخلی هدف تعیین‌کننده است. اگر هدف تأمین منافع جامعه بین‌المللی است، به طور مسلم یک دادگاه بین‌المللی در جایگاه بهتری برای تحقق این هدف قرار دارد؛ اما در صورتی که هدف تأمین منافع جامعه انتقالی است، با توجه به شکل رایج جرائم بین‌المللی، سازوکارهای ملی از جمله محاکم کیفری داخلی به دلیل اطلاع از شرایط حاکم بر جامعه در جایگاه بهتری قرار

^۱ - Minow

^۲ - Osiel

^۳ در قانون مجازات نسل‌کشی ۱۹۹۶ روآندا برای جرایم ارتكابی با توجه به شدت این جرایم مجازات‌هایی از اعدام تا حداقل مجازات‌های حبس قابل تعلیق در نظر گرفته شده بود. با توجه به این که در این قانون هم تناسب شدت جرم با میزان مجازات معیار تعیین‌کننده است، نظریه مکافات گرا از مجازات، نظریه حاکم است. این قانون به موجب قانون گاکاکای جدید ۲۰۰۱ نسخ گردید. در مجموع، یک بررسی از رویه موجود محاکم کیفری داخلی حاکی از آن است که در محاکم کیفری داخلی هم، مکافات و سزای مجرمان هدف عمده مجازات عاملان جرایم بین‌المللی است.

^۴ - Drumbl

دارند.

۲-۳- نیابت قضایی و جمع‌آوری دلایل و مدارک جرم

معاضدت قضایی نوعی همکاری حقوقی بین دولت‌هاست که بر اساس آن دولت مورد درخواست، اسناد مورد نیاز جهت محاکمه متهمی که در قلمرو کشور دیگر در حال محاکمه می‌باشد، جمع‌آوری و به آن دولت ارائه می‌نماید که در این صورت همکاری مزبور به نوعی در قالب «نیابت قضایی» ظاهر می‌شود (محسنی، ۱۳۹۲: ۴۲۱). معاضدت قضایی در امور کیفری بین‌المللی مبتنی بر منابع اولیه و منابع ثانویه می‌باشد. منابع اولیه شامل «اسناد چندجانبه» و «مقررات ملی» و منابع ثانویه مبتنی بر «اصل رفتار متقابل» و «تراکت بین‌المللی» هستند که تا حدود زیادی بر قوانین و رویه داخلی متکی می‌باشند که تفاوت عمده منابع اولیه و ثانویه، تعهدآور بودن مطلق دسته نخست و الزامی بودن دسته دوم بنا بر شرایط خاص می‌باشد. «معاضدت متقابل قضایی» برگرفته از نهاد «نیابت قضایی» بوده و تعهدی مبتنی بر درخواست کمک از سوی یک دولت جهت جمع‌آوری اسناد محاکمه در قلمرو دولت دیگر می‌باشد (دیپیم، ۱۳۷۸: ۱۶۱). و هدف از «معاضدت قضایی»، علاوه بر مساعدت دولت مورد درخواست در دستیابی به اسناد و ادله ناظر بر جرم ارتكابی، دریافت کمک‌های آن دولت در برگزاری مراحل محاکمه کیفری از قبیل تأمین امنیت بر ادای شهادت قربانیان، شهود و کارکنان می‌باشد. امروزه، این نوع از همکاری بین‌المللی دولت‌ها مبتنی بر معاهده بوده و سلسله وسیعی از اقدامات از جمله تحقیقات کیفری، بازجویی، محاکمه، اخذ اظهارات شهود بازرسی و تحقیق و خدمات مربوط به تعقیب افراد را شامل می‌شود. در خصوص برنامه معاضدت حقوقی کشورهای مشترک‌المنافع در موضوعات کیفری لازم به ذکر است که مقررات به عوض ایجاد تعهد الزام‌آور برای همکاری سلسله توصیه‌هایی را در رابطه با همکاری به کشورها ارائه می‌نماید.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز با ارائه موافقت‌نامه راجع به معاضدت قضایی در موضوعات کیفری اقدام به ایجاد نوعی وحدت رویه در انعقاد موافقت‌نامه‌های همکاری دولت‌ها در همکاری‌های خود جهت مبارزه با جرائم بین‌المللی نموده است (شریعت باقری، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۰) که ماده یک این قطعنامه، همکاری دولت‌ها در مساعدت حقوقی متقابل را شامل مواردی می‌داند که اهم آنها عبارتند از:

۱- تحقیق ۲- جمع‌آوری اطلاعات و مدارک ۳- دسترسی به اشخاص و بازداشت‌شدگان جهت مساعدت به تحقیق و محاکمه - ارائه مساعدت‌های لازم در خصوص اسناد قضایی ۵- دسترسی به اسناد می‌باشد. البته، ماده ۴ این قطعنامه مواردی را که به عنوان موارد عدم پذیرش درخواست

معاضدت قضایی اعلام می‌دارد که در این ماده به طور مفصل بیان شده است. با اینکه به سبب خصلت معاهد‌های (اراده‌ای) معاضدت قضایی، دولت‌ها متعهد دارای آزادی و اختیار پذیرش یا رد درخواست این نوع همکاری یا هر نوع همکاری دیگر می‌باشند، ولی در عین حال امروزه تمایل جهانی برای محدودسازی آزادی عمل دولت‌ها افزایش یافته است و همچنین، در ارتباط با انتقال اسناد و اطلاعات، دولت‌ها نسبت به انتقال اطلاعات مربوط به مظنونان در ارتکاب جرائم بین‌المللی ما به دولت‌ها پیوسته حساسیت دارند (دلخوش، ۱۳۹۰: ۲۱۹-۲۱۸).

۲-۴- استرداد مجرمین

استرداد به معنای تحویل دادن متهم یا مجرمی است که بنا به دلایلی، محاکمه یا مجازات وی مورد علاقه دولت یا دولت‌های دیگر (غیر از دولت محل حضور جرم) بوده و بر این اساس، «دولت درخواست کننده» (محسنی، ۱۳۹۲: ۸۷) خواست و انتقال وی از سوی دولت مورد درخواست می‌باشد.

به صورت سنتی، عمل استرداد اولین شکل همکاری حقوقی بین‌المللی مبتنی بر قراردادهای دو و چندجانبه میان دولت‌ها می‌باشد (وروایی و سایرین، ۱۳۹۹: ۹۸). استرداد یکی از قدیمی‌ترین اشکال همکاری بین‌المللی است، ریشه‌های آن را می‌توان در دوران باستان ردیابی کرد. در ابتدا، دولت‌ها تنها به دنبال بازگشت افراد مظنون به اتهام ارتکاب جرم سیاسی بودند. این مفهوم به تدریج رشد کرده و تکامل یافته است، به طوری که در حال حاضر تعداد زیادی از جرائم جنایی را پوشش می‌دهد، و تعهدات مربوط به آنها از طریق معاهدات دوجانبه، منطقه‌ای و چندجانبه مستحکم شده است. اگرچه استرداد قرن‌ها استفاده می‌شود، اما این قانون بجا و مناسب توسعه نیافته است که تعهدی مثبت در هر دولت نسبت به استرداد محسوب شود. تعهد به استرداد تنها با وجود یک معاهده مطرح می‌شود و حتی پس از آن، محدودیت خاصی وجود دارد، از جمله آنکه در خصوص برخی جرائم و طبقه‌ای از افراد، بسته به صلاحیت دادگاه امکان استرداد وجود ندارد. با این حال، استرداد لزوماً به معنای محاکمه یا مجازات نیست. استرداد می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از اسناد تبادل از طریق کانال‌های دیپلماتیک میان مقامات تعریف شود که به دنبال تسلیم فرد متهم یا فراری به کشوری هستند که در قلمرو آن جرم مورد ادعا ارتکاب یافته است (لاسوود، ۲۰۱۲: ۱۸).

معاهدات به عنوان مبنای همکاری‌های بین‌المللی در سراسر جهان برای سال‌های متمادی استفاده شده است. در این طیف از همکاری‌های بین‌المللی، آن‌ها نشان‌دهنده رسمی‌ترین ابزار هستند که می‌توانند خواه برای همکاری متقابل قانونی و یا استرداد مورد استفاده قرار گیرند. معاهدات بر تلاش و همکاری در خصوص انواع خاصی از جرائم با در نظر گرفتن مسائل منطقه‌ای و نظام

حقوقی یک منطقه خاص متمرکز است. معاهدات همچنین احزاب را به همکاری با یکدیگر تحت قوانین بین‌المللی ملزم می‌کنند. معاهدات دوجانبه می‌توانند بین دولت‌ها طراحی شده و درجه بالایی از اطمینان را در مورد تعهدات و انتظارات در روند استرداد ارائه دهند. این امر به ویژه زمانی که دولت‌ها در رویه‌های حقوقی مشابهی اشتراک دارند، به عنوان وجوه مشترک پیدا شده در این پیمان از طریق دادگاه داخلی دنبال خواهد شد. هنگامی که دولت‌ها در یک معاهده دوجانبه رویه‌های حقوقی مختلفی دارند، تلاش برای دستیابی به اطمینان و شفافیت، مشکل‌تر می‌شود. چالش دیگر در معاهدات دوجانبه هزینه و تلاشی است که برای به ثمر رسیدن صرف می‌شود. در حال حاضر، معاهداتی در این خصوص بین کشورها منعقد می‌شود و ثابت شده است این امر کاملاً موفقیت‌آمیز بوده است. همچنین، معاهدات منطقه‌ای منجر به ایجاد مقررات منطقه‌ای شده‌اند که اجازه می‌دهد این معاهده اجرا شود.

حقوق بین‌الملل عمومی با اصل قرارداد عنصر حاکمیت دولت‌ها بر لزوم وجود موافقت‌نامه‌های خاص استرداد میان دولتها تأکید داشته و تعهد به همکاری دولت‌ها در زمینه استرداد را منوط به داشتن این نوع موافقت‌نامه‌ها می‌داند. حقوق بین‌الملل کیفری در ارتباط با برخی از جنایات خاص بین‌الملل نظیر جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، جنایات نسل‌کشی و سایر جنایات خطیر نظیر شکنجه و ترور، دولت‌ها را به انتخاب یکی از دو راه حل محاکمه و مجازات یا استرداد مکلف نموده است (وروایی و دیگران، ۱۳۹۹: ۹۹). علیرغم رشد و گسترش رژیم همکاری‌های بین‌الدولی در خصوص استرداد، رژیم خاصی برای استرداد جهانی با معاضدت حقوقی چندجانبه عام الشمول وجود نداشته و بسیاری از دولت‌ها بر اساس رژیم‌های بین‌المللی و ملی که حالت ابتدایی و قدیمی داشته و محدود به جرائم خاصی می‌باشند، با یکدیگر همکاری می‌نمایند. در همین راستا، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با هدف تشویق دولت‌ها به ایجاد رژیم پیشرفته همکاری بین‌المللی واحد، اقدام به تدوین معاهدات مدل مربوط به کلیه اشکال اصلی همکاری در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری شامل استرداد، انتقال رسیدگی به جرائم کیفری، معاضدت حقوقی در موضوعات کیفری و نظارت بر مجرمان زندانی مشروط و مجرمان آزاد شده مشروط نمود. مجمع عمومی در این قطعنامه مدل راجع به استرداد، ضمن هشدار به دولت‌ها نسبت به اینکه موافقت‌نامه‌های موجود میان آنها راجع به استرداد، قدیمی بوده و لازم است تا با موافقت‌نامه‌های جدیدی که بر اساس تحولات جدید حوزه حقوق بین‌الملل کیفری تنظیم شده‌اند، جایگزین شوند، از دولت‌ها مصرانه می‌خواهد تا همکاری‌های خود در زمینه برقراری عدالت کیفری را افزایش داده و در این راستا، انعقاد موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه استرداد را گامی مؤثر در تحکیم این همکاری‌ها و کنترل مناسب جرائم بین‌المللی شناخته است. موافقت‌نامه‌های همکاری میان دولت‌ها در مبارزه با جرائم

بین‌المللی، علاوه بر اینکه مبنای قراردادی همکاری دولتها را مشخص می‌سازد، جرائم بین‌المللی یا فرامرزی را جرم‌انگاری و قانونمند نموده و تعهدات دولت‌های متعاقد در مقابله با این جرائم را تنظیم می‌نماید (عباسی، ۱۳۷۳: ۷۹).

با این همه و علیرغم این کلی‌گویی‌ها، اکثر موافقت‌نامه‌های استرداد، صراحتاً شرایط مجرمان قابل استرداد را اعلام می‌دارند و تصریح می‌نمایند که به هنگام اجرای تعهدات قراردادی، در نظر گرفتن شرایط داخلی دولت‌ها، امری ضروری است. دولتها به منظور رفع ایراد موافقت‌نامه‌های قدیمی در رابطه با همکاری‌های فی‌مابین، سعی نموده‌اند در موافقت‌نامه‌های جدید، تعهدات خود و طرف‌های مقابل را با صراحت و دقت بیشتری بیان نمایند. در کنار این موافقت‌نامه‌ها، در برخی موارد شورای امنیت به منظور جلوگیری از استرداد مظنونان خاصی به برخی دولتها و رسیدگی ویژه بین‌المللی در مورد جرائم آنها، از اختیارات ویژه خود بر اساس ماده ۱۰۳ منشور استفاده نموده و از دولت‌ها می‌خواهد که علیرغم داشتن تعهد به استرداد این افراد را به دولت خاصی تحویل نداده و یا از حق انتخاب خود مبنی بر محاکمه یا استرداد استفاده نکرده و با چشم‌پوشی از حق محاکمه، مجرمان را استرداد نمایند و همچنین علاوه بر سازمان ملل، برخی دیگر از سازمان‌های تخصصی بین‌المللی نیز در موضوع استرداد، فعالیت می‌نمایند که شناخته‌شده‌ترین آن‌ها سازمان پلیس بین‌المللی (اینتربل^۱) می‌باشد (دلخوش، ۱۳۹۰: ۲۰۷-۲۰۹).

۲-۵- انتقال محکومین به حبس

موافقت‌نامه‌های انتقال محکومین به حبس از مفاهیم جدید حقوق جزای بین‌الملل است که بر اساس آن فردی که در یک کشور خارجی به موجب حکم قطعی به مجازات حبس محکوم گردیده است، طی شرایطی برای تحمل مجازات خود به کشور متبوعش تحویل داده می‌شود. دولت متبوع نیز با پذیرفتن اعتبار و اثر حکم صادره توسط دادگاه خارجی، دست به اجرای آن می‌زند. با این انتقال، هزینه‌های اصلاح محکوم کاهش یافته، اصلاح او مفیدتر انجام می‌شود و موازین حقوق بشر نیز رعایت می‌گردد (پوربافرانی، ۱۳۹۳: ۱).

طبق بند ۱۲ ماده ۶ کنوانسیون ۱۹۹۸ اعضا می‌توانند در رابطه با انتقال محکومین به حبس و سایر مجازات‌های سالب آزادی به منظور اتمام دوره محکومیت عقد قراردادهای دو یا چندجانبه موردی یا کلی را مورد توجه قرار دهند. تمایل دولت‌ها به این نحوه مساعدت قضایی منجر به تنظیم موافقت‌نامه‌های زیادی شده است (اردیلی، ۱۳۸۴: ۳۰۷-۳۰۹).

اصولاً از مفاد کنوانسیون انتقال محکومین به حبس ۱۹۸۳ استراسبورگ و نیز قانون نمونه سازمان ملل متحد مشخص است که فقط در خصوص مجازات حبس، انتقال محکومین انجام می‌شود و

^۱ - Interpol

شامل سایر مجازات‌ها نخواهد شد. بدیهی است نباید نهاد «استرداد مجرمین» را که نهادی قدیمی است، با این نهاد نوپا اشتباه گرفت. در قوانین استرداد مجرمین و همین‌طور قراردادهای دوجانبه استرداد مجرمین بین دولت‌ها صحبت از استرداد متهم یا مجرم جهت تعقیب یا تحمل مجازات بر اساس قوانین کشور متقاضی است. در این حال، دولت متقاضی استرداد، بر اساس قوانین کیفری خود، متهم مسترد شده را مورد تعقیب، محاکمه و احياناً مجازات قرار خواهد داد و در مورد مجرم مسترد شده هم حکم صادر شده از دادگاه داخلی خود را در مورد او اجرا خواهد کرد. بدیهی است در هر دو حالت، دولت متقاضی استرداد نهایت قوانین کیفری خود را اعمال کرده، حکم صادر شده از دادگاه خود را نیز اجرا خواهد کرد، در حالی که در نهاد و انتقال محکومین به حبس «صحبت از اجرای حکم مجازات صادر شده از یک دادگاه خارجی (دادگاه صادرکننده حکم) در کشور متقاضی است؛ حکمی که بر اساس قوانین کشور دادگاه صادرکننده حکم و توسط دادگاه آن کشور صادر شده است.

نکته دیگر اینکه همانطور که اشاره شد، موضوع قوانین و قراردادهای استرداد مجرمین برخلاف عنوان آن، هم متهم و هم مجرم است. به عبارت دیگر، استرداد هم به منظور تعقیب و هم به منظور اجرای مجازات (اعم از بدنی، سالب آزادی، مالی و...) است، در حالی که موضوع نهاد انتقال محکومین به حبس صرف محکومین دارای حکم قطعی یافته به حبس است که در حال تحمل حبس هستند. از حیث دامنه شمول این قراردادها، این نکته را باید متذکر شد که به طور طبیعی این نوع انتقال تنها بین کشورهایی صورت می‌گیرد که یا بین آنها چنین موافقت‌نامه‌هایی به امضا رسیده و یا به کنوانسیون‌هایی که در این باره هستند، پیوسته باشند. از حیث افراد مورد شمول این نوع موافقت‌نامه‌ها نیز تنها افرادی منتقل می‌شوند که با خود، یا خانواده آنها و یا دولت کشور متبوعشان تقاضای انتقالشان را به کشور خود داشته باشند و همین‌طور این افراد باید طی حکم قطعی و لازم‌الاجرا به مجازات سالب آزادی محکوم شده باشند. دامنه شمول این نوع قراردادها تنها مجازات‌های سالب آزادی است و از آنجا که حبس بارزترین نوع از مجازات‌های سالب آزادی است، این نوع قراردادها تحت عنوان انتقال محکومین به حبس بیان می‌گردد. در خصوص شرایط انتقال محکومان به حبس باید گفت که تعیین شرایط انتقال محکومین به حبس و احکام و مقررات آن موضوعی قراردادی است که به اراده و توافق طرفین قرارداد بستگی دارد و معمولاً دولت‌ها با توجه به منافع و نیازها و مقتضیات سیاسی و اجتماعی و حقوقی خود این شرایط را تعیین می‌کنند و الزاماً در تمامی قراردادها، شرایط و احکام و مقررات مربوط، یکسان و یکنواخت نیست. البته، در کنوانسیون استراسبورگ، به دلیل چندجانبه بودن، مقررات آن برای تمامی دولت‌های عضو لازم‌الاجرا است، مگر اینکه کشوری از کنوانسیون خارج گردد که در این

صورت به استناد ماده ۲۴ کنوانسیون، این کناره‌گیری سه ماه بعد از تاریخ وصول کتبی به دبیر کل شورای اروپا مؤثر خواهد بود. در بند ۱ ماده ۳ این کنوانسیون شش شرط برای انتقال ذکر شده است: (۱) محکوم متقاضی انتقال باید تبعه دولت اجراکننده باشد، (۲) حکم قطعی در مورد او صادر شده باشد، (۳) در زمان تقاضای انتقال حداقل شش ماه از محکومیت او باقی مانده باشد یا اینکه مدت محکومیت او نامعین باشد، (۴) متقاضی انتقال یا نماینده او راضی به انتقال باشد، (۵) رفتاری که به خاطر آن محکوم شده، در کشور اجراکننده هم جرم باشد (مجرمیت متقابل)، (۶) دولت صادرکننده حکم و دولت اجراکننده حکم موافق انتقال باشند (پوربافرانی، ۱۳۹۳: ۲۳۲).

با بررسی و مقایسه قراردادهای انتقال محکومین به حبس و نیز کنوانسیون استراسبورگ و موافقتنامه نمونه سازمان ملل متحد می‌توان قواعد و شرایط کلی و مشترک یافت که تقریباً به صورت استانداردهای انتقال محکومین به حبس محسوب می‌شوند. با کنکاش در موافقتنامه‌های دوجانبه انتقال محکومین به حبس بین ایران و سایر کشورها نیز ملاحظه می‌شود که این شرایط با الگوبرداری از کنوانسیون استراسبورگ شورای اروپا و موافقتنامه نمونه سازمان ملل متحد تعیین شده است (پوربافرانی، ۱۳۹۳: ۱). جمهوری اسلامی ایران نیز از سال ۱۳۷۸ تاکنون تنها با تعداد کمی از کشورها این نوع موافقتنامه‌ها را امضاء کرده است.

نتیجه‌گیری

نتایج مقاله بر این امر دلالت دارد که معاضدت قضایی به طرق مختلف زمینه تحقق عدالت کیفری را فراهم می‌کند. معاضدت قضایی، یکی از تأسیسات حقوقی است که امکان تحصیل دلیل و بررسی آن را توسط مرجع قضایی دیگر فراهم می‌کند تا روند رسیدگی تسهیل و امکان احقاق حق برای دادگاه رسیدگی‌کننده میسر شود. معاضدت قضایی امکان دسترسی به دلایل یا انجام تحقیقات درباره دعوا یا شکایت اقامه‌شده را برای دادگاه رسیدگی‌کننده، آن هم در شرایطی که خارج از مقرر دادگاه صلاحیت‌دار باشد، مهیا می‌کند.

هدف از تدوین مقررات قانونی معاضدت قضایی در قالب مقررات شکلی در مسائل جزایی و مدنی، جلوگیری از وقفه احتمالی در رسیدگی‌ها است. هر مرجع قضایی از لحاظ صلاحیت محدود به یک حوزه مشخص است، اما همیشه نمی‌توان رسیدگی را محدود به همان حوزه قضایی کرد. چه گاهی دعوا در صلاحیت یک حوزه قضایی است، اما دلایل و رسیدگی به آن در حوزه دادگاه دیگری باید به عمل آید یا اساساً در خارج از مرزهای کشور است؛ معاضدت قضایی برای رفع چنین مشکلی طرح می‌شود.

معاضدت قضایی به دو نوع معاضدت قضایی داخلی و معاضدت قضایی بین‌المللی (خارجی) تقسیم می‌شود. معاضدت قضایی بین‌المللی، تقاضایی است که یکی از مراجع قضایی داخلی از

مقامات قضایی کشورهای خارجی دارد. این نوع نیابت غالباً با مشکلات قانونی و یا عملی مواجه است. دادن معاضدت قضایی خارج از کشور در صورتی است که بین دو کشور قرارداد «تعاون قضایی» یا «معامله متقابل» وجود داشته باشد. تحقیقاتی که دادگاه خارجی پیرامون نیابت اعطایی انجام می‌دهد، در صورتی که مورد وثوق و اعتماد دادگاه رسیدگی‌کننده باشد، قابل استناد خواهد بود. معاضدت قضایی بین‌المللی، تقاضایی است که یکی از مراجع قضایی داخلی از مقامات قضایی کشورهای خارجی دارد. این نوع نیابت غالباً با مشکلات قانونی یا عملی مواجه است. دادن معاضدت قضایی خارج از کشور در صورتی است که بین دو کشور قرارداد «تعاون قضایی» یا «معامله متقابل» وجود داشته باشد. تحقیقاتی که دادگاه خارجی پیرامون نیابت اعطایی انجام می‌دهد، در صورتی که مورد وثوق و اعتماد دادگاه رسیدگی‌کننده باشد، قابل استناد خواهد بود.

در زمینه استرداد مجرمین به عنوان جلوه‌ای از معاضدت‌های قضایی شایان ذکر است که استرداد مجرمین فرایندی است که گویای قشر یک مساعی و تعاون بین‌المللی کشورها در راستای اجرای هرچه دقیق‌تر موازین عدالت قضایی می‌باشد. استرداد مجرمین یکی از مباحث اساسی حقوق بین‌الملل و حقوق جزا می‌باشد که با گستره وسیعی از حقوق، تکالیف و اختیارات بین‌المللی دولت‌ها در راستای مبارزه با بزهکاران ارتباط مستقیم یافته است. لذا، این نهاد و اجرای موفق آن مستلزم همکاری کشورها بوده و مقتضی است که این کشورها بدون عذر و بهانه‌های سیاسی و امنیتی در استرداد مجرمین همکاری‌های لازم را با همدیگر به عمل آورند.

مبانی توجیهی غالبی که در قواعد و قراردادهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای ضرورت استرداد مجرمین قابل رهگیری است، کمک به «اجرای عدالت» و «جلوگیری از بی‌کیفری» می‌باشد. در واقع، در حقوق بین‌الملل عرضی، وظیفه‌ای برای استرداد و همچنین، برای انجام ندادن استرداد وجود ندارد. تنها به موجب مقررات قانونی موجود در معاهدات دوجانبه استرداد است که وظیفه‌ای برای استرداد با شرایط خاصی در خصوص واگذاری در قوانین بین‌المللی ایجاد شده است.

از دیگر جلوه‌های معاضدت‌های قضایی، نیابت قضایی می‌باشد که در این مورد باید گفت: امروزه در معاهدات دو یا چندجانبه بین کشورها موضوع نیابت قضایی جایگاه مهمی دارد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد با ارائه موافقتنامه راجع به معاضدت قضایی در موضوعات کیفری اقدام به ایجاد نوعی وحدت رویه در انعقاد موافقت‌نامه‌های همکاری دولت‌ها در همکاری‌های خود جهت مبارزه با جرائم بین‌المللی نموده است.

در مورد انتقال محکومیت به حبس هم باید توجه داشت که این نهاد جلوه‌ای از پیشرفت‌ها و گسترش مناسبات حقوقی است و شاید به جرأت بتوان گفت جلوه‌ای از همکاری دولت‌ها

می‌باشد؛ چرا که در این نوع قراردادها موافقت می‌شود که فردی که در کشور بیگانه‌ای به مجازات سالب آزادی محکوم گردیده، جهت اجرای این مجازات به کشور متبوعش منتقل گردد؛ که دولت جمهوری اسلامی ایران از سال ۸۷ تاکنون تنها با تعداد کمی از این کشورها موافقت‌نامه امضاء کرده است.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۴). **علوم جنایی گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران**، ج اول، چاپ نخست، تهران، چاپ سلسبیل.
- امیدی، جلیل (۱۳۸۸). **سنت نبوی و عدالت کیفری**، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۴.
- آزمایش، علی (۱۳۸۷). **مفهوم بی کیفری در حقوق بین‌الملل**، مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی کیفری، چاپ اول، تهران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
- آل حبیب، احمد (۱۳۷۸). **دیوان کیفری بین‌المللی در یک نگاه: ضرورت‌ها و نگرانی‌ها**. در کتاب دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران به اهتمام اسحاق آل حبیب ابرای دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. چاپ اول. تهران: مرکز چاپ و انتشار وزارت امور خارجه.
- برتوسا، برنارد (۱۳۸۲). **دنیای بی قانون**، ترجمه محمود عباسی، انتشارات حقوقی.
- بهاروند، محسن (۱۳۸۴). **پایان بی کیفری ناقضان حقوق بشر؛ یک چالش جهانی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- بیگ‌زاده، ابراهیم (۱۳۸۷). **موانع امحای بی کیفری**، مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی کیفری، تهران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
- پوربافرانی، حسن؛ اکبری فرد، احسان؛ بدری، حسن (۱۳۹۳). **انتقال محکومین به حبس در موافقتنامه‌های بین‌المللی با نگاهی به مبانی فقهی**، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلامی و غرب، سال اول، شماره ۱.
- دلخوش، علیرضا (۱۳۹۰). **مقابله با جرائم بین‌المللی تعهد دولت‌ها به همکاری**، چاپ اول، تهران: شهر دانش.
- رنجبریان، احمد (۱۳۸۷). **مبارزه با بی کیفری در سرزمین‌های تحت اداره سازمان ملل متحد**. مجموعه مقالات سازمان ملل متحد و مقابله با بی کیفری تهران ۲۵ خرداد ۱۳۸۵. چاپ اول. تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
- زمانی، سید قاسم (۳۸۷). **صلاحیت جهانی و بی کیفری**. مجموعه مقالات سازمان ملل متحد و مقابله با بی کیفری تهران ۲۵ خرداد ۱۳۸۵. چاپ اول. تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
- شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۷۸). **صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی**. در کتاب دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران به اهتمام اسحاق آل حبیب ابرای دفتر

- مطالعات سیاسی و بین‌المللی. چاپ اول. تهران: مرکز چاپ و انتشار وزارت امور خارجه.
- شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۹۳). **تصویب موافقت‌نامه‌های همکاری‌های قضایی بین‌المللی؛ مشکلات و راه‌حل‌ها**، نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۶.
- صادقیان، وحید (۱۳۷۸). **مروری بر جرائم تحت صلاحیت دیوان دائمی کیفری بین‌المللی**. در کتاب دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران به اهتمام اسحاق آل حبیب ابرای دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. چاپ اول. تهران: مرکز چاپ و انتشار وزارت امور خارجه.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۲). **حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ظفری، محمدرضا (۱۳۷۶). **مبانی عدالت جزایی**، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۱۰ و ۱۱.
- عباسی، محمود (۱۳۷۳). **استرداد مجرمین**، تهران: انتشارات گنج دانش.
- محسنی، مرتضی (۱۳۹۲). **دوره حقوق جزای عمومی**، ج ۱-۳، تهران: انتشارات گنج دانش.
- وروایی، اکبر؛ کرباس فروش، قاسم؛ توسلی زاده، توران (۱۳۹۹). **حقوق بزه‌دیده از منظر دادرسی عادلانه و اخلاق در آیین دادرسی کیفری و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی**، اخلاق در علوم و فناوری، دوره ۱۵، شماره ۳.

- Drumbl, Atrocity, (2007). **Punishment, and International Law**, Cambridge University Press; First Edition.
- Hazel, Fox, (2008). **"The Law on State Immunity"**, Second Edition, Oxford University Press, United States.
- Minow, Martha, (1998). **Between Vengeance and Forgiveness: Facing History after Genocide and Mass Violence**, Beacon Press.
- Osiel, Mark.J, (1995). **"Ever Again: Legal Remembrance of Administrative Massacre"**, University of Pennsylvania Law Review, Vol.144.
https://scholarship.law.upenn.edu/penn_law_review/vol144/iss2/2/